

متن پرسش

سلام: صورتگر نقاشم هر لحظه بتی سازم، وانگه همه بت‌ها را در پیش تو بگدازم، صد نقش برانگیزم با روح درآمیزم، چون نقش تو را بینم در آتشش اندازم، تو ساقی خماری یا دشمن هشیاری، یا آنک کنی ویران هر خانه که می سازم، جان ریخته شد بر تو آمیخته شد با تو، چون بوی تو دارد جان جان را هله بنوازم، هر خون که ز من روید با خاک تو می گوید، با مهر تو هم‌رنگم با عشق تو هنبازم، در خانه آب و گل بی‌توست خراب این دل، یا خانه درآ جانا یا خانه بپردازم..... ما در ره عشق تو اسیران بلائیم، کس نیست چنین عاشق بیچاره که ماییم، ما را به تو سریست که کس محرم آن نیست، گر سر برود سر تو با کس نگشاییم؛ تقدیم به خدایی که این روزا اونم با نارقیقا رفیق تره.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! به این سخن مولایمان نظر کنید که می‌فرمایند: «وَ اِنَّ الدُّنْيَا لَمَّ تَكُنْ لِنَسْتَقِرَّ اِلَّا عَلٰی مَا جَعَلَهَا اللّٰهُ عَلَيْهِ مِنَ النُّعْمَاءِ وَ الْاِبْتِلَاءِ»، بدان که دنیا مستقر نمی‌شود و سنت خدا در آن جاری نمی‌گردد مگر از طریق نعمت و بلاهایی که خدا در آن قرار داده است. یعنی خدا دنیا را ساخته است- از دستش هم درنرفته است- ولی سنتی که در آن جاری می‌کند سختی و راحتی دادن است به طور توأمان. مدیر دنیا، مدیریت خودش را از طریق نعمتها و بلاها اعمال می‌کند. نه بلاها از دست خدا دررفته اند و نه راحتی‌ها از زمام اختیار او خارج شده اند. نه راحتی دادن‌ها مدیریتی جدا از سختی دادن‌ها دارد و نه سختی‌های مدیریتی غیر از مدیر راحتی است. نه سختی گسسته از راحتی است و نه راحتی جدای از سختی. یک زندگی است که هم سختی دارد و هم راحتی، لذا می‌توان به جایی رسید که گفت:

عاشقم بر لطف و بر قهرش به جدّ ای عجب کس عاشق این هر دو ضدّ

خدایا زندگی راحت بی‌تحرك و بی‌مزه به چه کار می‌آید؟ یک شور و حیرت، مصیبت و جنگ یا محرومیتی بده تا از بی‌تحركی و تنبلی به درآییم! هنگامی که مریض در تختش خوابیده، اگر مرتب پهلو به پهلو نشود بدنش زخم می‌شود، و سختی‌ها و رنج‌های حیات، تکان‌هایی است که بر ما وارد می‌شود تا خونمان لخته نگردد. لذا است که هم تقاضای رفع مشکلات می‌کنیم و هم نگرانیم که ما را به راحتی سردی گرفتار کند.

نالم و ترسم که او باور کند وز ترخّم جور را کمتر کند

موقعی که مشکلی برای من ایجاد نموده و حال را گرفته است، می‌نالم و از خدا می‌خواهم که مشکلم

را برطرف کند. اما در عین حال ترسانم مبادا حرف مرا باور کرده، مشکلات مرا کم کند. اگر در راحتی محض قرار گرفتیم چه کنیم؟ در آن وقت همانند بلبل خواهی بود که از گل جدایش کرده اند. بر من مباد که خدا مرا از سختی جدا کند- دقت کنید که دید خوبی است.

نالَم و ترسم که او باور کند وز ترحم جور را کمتر کند
والله ار زین خار در بستان شوم همچو بلبل زین سبب نالان شوم

باز هم ناله سر خواهم داد اما این بار به خاطر آن که او سختیها را از من گرفته است. قرآن می فرماید: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ» (ما انسان را در سختیها می پرورانیم) خدا می فرماید شما پشته های سخت و گردنه های تنگ حیات را پشت سر گذاشته اید. مرده و ساکت و ساکنید و تا به سختی ها نیفتید نمی توانید خودتان را آزاد کنید. تا سختی ها را ننوشید زنده نمی شوید. در روایات آمده است که یکی از بهترین ذکرها «ماشاءالله» است. یعنی انسان به مقامی برسد که بگوید: «هرچه خدا بخواهد». یعنی من انسان با تمام فعالیت هایم در عرصه حیات، تسلیم سنت جاری حق هستم. موفق باشید